

انتقال فناوری از دانشگاه به صنعت، یکی از مهم‌ترین حلقه‌های زنجیره نوآوری است. با این حال، در ایران این فرایند با چالش‌های متعددی روبه‌روست که موجب شده فاصله میان تولید علم و بهره‌برداری صنعتی همچنان قابل توجه باشد. نخستین چالش، تفاوت در زبان و منطق عمل دانشگاه و صنعت است. دانشگاه بیشتر به تولید دانش و انتشار علمی توجه دارد، در حالی که صنعت به دنبال حل مسئله، کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری است. این تفاوت باعث می‌شود بسیاری از پروژه‌های دانشگاهی برای صنعت جذابیت مستقیم نداشته باشند.

چالش دوم، نبود سازوکارهای مؤثر برای ارتباط پایدار میان دو بخش است. در بسیاری از موارد، ارتباط دانشگاه و صنعت به پروژه‌های موردی و کوتاه‌مدت محدود می‌شود و به یک رابطه نهادمند و بلندمدت تبدیل نمی‌شود. نبود دفاتر انتقال فناوری کارآمد، کمبود مشاوران متخصص، و ضعف در نظام مالکیت فکری نیز از موانع مهم دیگر هستند.

از سوی دیگر، صنعت نیز در برخی حوزه‌ها تمایل کافی برای پذیرش فناوری داخلی ندارد و ترجیح می‌دهد از فناوری‌های وارداتی یا آماده استفاده کند. این مسئله به دلیل ریسک‌گریزی، نبود اعتماد متقابل و کمبود مشوق‌های اقتصادی تشدید می‌شود. همچنین، بخشی از دانشگاه‌ها نیز هنوز با منطق پژوهش مسئله‌محور و نیازمحور فاصله دارند.

برای کاهش این چالش‌ها، لازم است سیاست‌گذاری‌های مشخصی برای تقویت دفاتر انتقال فناوری، ایجاد مشوق‌های مالی برای همکاری دانشگاه و صنعت، توسعه پروژه‌های مشترک، و حمایت از تجاری‌سازی پژوهش‌ها اتخاذ شود. جهاد دانشگاهی می‌تواند در این میان به عنوان یک نهاد واسطه مؤثر، نقش مهمی در کاهش فاصله میان دانشگاه و صنعت ایفا کند.